



ایلیا موسایی(ره‌نشان نمی‌کنم، مگر اینکه باعث رضایی من شوند. یعنی آن ترس را باید پاره چشم‌هایشان ببینم. باید ببینم چطور بند دلبان پاره می‌شود. آن نخ‌باریکی که وصلشان می‌کرد به زندگی چطور بیهو می‌پرد و چه‌ره‌هایشان وا می‌رود. وقتی کردن بچه را جلو رویشان فشار می‌دهم و با وحشت صورت knobش را نگاه می‌کنند اما کاری از دستشان بر نمی‌آید. این‌ها راضی‌ام می‌کند. مثل زدن لیوان‌های شیشه‌ای توی شهر بازی است. بعد از آن سرد می‌شوم و باید بگذارم بروند. بچه را مکمت توی بغل می‌گیرند و می‌دوند. زن سکندری می‌خورد و کیفش از دستش می‌افتد. یا کفشش از پایش درمی‌رود. دکتر اگر بفهمد حتما می‌گوید باید بستری شوم. برای همین است که دوست دارم این بلا را سر خودش بیاورم. یک شبی جایی در کوچه‌ای تاریک سر راهش سبز شوم و راضی‌ام می‌کند. یا چشم‌های دریده نگاهم کند. آن وقت دست از این رمی‌درد که مثل بچه‌ها من رفتار کند. حتما می‌گوید چون خودت و زنت توی آن صحنه وحشت‌زده شدید حالا دوست داری این ترس را توی مغز دیگران بکاری... یا یک چیزی شبیه به همین بلغور می‌کند تا چهل و بیست دقیقه و قتم تمام شود و باز بگوید، شاهره بعد، ولی نه داند شب‌ها این توی توی شهر می‌گردد. صبح‌ها که توی شرکت‌م گاهی می‌گویم همین همکار بغل دستی یا آن یکی که مدیر بخش است یا چه‌یسا حسابدار شرکت هانلی نباشد که در شب خفت کرده‌ام. صبح به‌هم سلام می‌کنیم و توی روز هم می‌خندیم. صبح روز نور روز من یک شهروند عادی دیگر خبری از آن هیولای شیشه‌ای نیست. به‌جز اتفاقی که هفته پیش افتاد و حالا حسابی اوضاعم را به‌هم ریخته... همه چیز از همان موقع عوض شد. توی این چند روز هم ندانم رنگ رده‌ونه پیمای داده. هیچ خبری از عروژن‌های همیشگی‌اش نیست. آن شب یک خانواده را نشان کرده بودم. مثل همیشه. یک دختر بچه کوچک همراهشان بود. از پشت یک ماشین پارک‌شده جلوشان درآدمم. تا روبه‌رویشان ایستادم. دختر بچه سریع ستمم دودید. با صدای خنده بلند. بدتم بی‌اختیار روی زمین زانو زد و دست‌هایم را زمزم باز شدند. دختر بچه مثل سایه‌ای از سایه‌های شب از بدتم عبور کرد. لحظه‌ای به‌خودم آمدم که مردم‌زنی پشت سرم می‌دوندند که خوششان را برسانند به ماشینشان. من همان‌جا روی آسفالت تاریک زانو زده بودم و گریه می‌کردم. حالا هم مدام زنگ را می‌زنم. توی مانیاتور دربارکن ندا را می‌بینم. دست دست می‌کند و مدام اطراف را نگاه می‌کند. توی مدت تماس نگرفتم و حالا عجیب است که اینجا پیدایش شده. دکمه را می‌زنم. می‌گویم: باز شد؟ فقط صدای چفت شدن در را می‌شنوم. یک لحظه سایه سفیدی توی نمایشگر عبور می‌کند. زل می‌زنم. حالا همه چیز طبیعی است. نه سایه‌ای نه چیزی. فقط ماشین‌ها هستند و عابرهای همیشگی. با صدای ندانه خودم می‌آیم. می‌گوید: یک هفته‌ست زنگ نزدی خوردم شده... اوامده‌ام ببینم چیزی شده؟... برای همین به دکترت زنگ زدم. هم‌زمان از پشت در دوفر را می‌بینم که سفید پوشیده‌اند. می‌گویم: من که اصلا زنگ نمی‌زنم. تو بودی که همیشه تماس می‌گرفتی، مثل آدم‌های ترسیده خنده‌های عصبی تحویل می‌دهد. می‌گوید باید به حرفم گوش می‌دادی. باید می‌رفتی. دکتر... روه آن دوفر می‌کند. می‌گوید: من خیلی سعی کردم کمکش کنم نشد... حتی گفتم بیادوباره بچه‌دار بشیم... فایده نداشت. کلا با موضوع کنار نیومدم، سرم را با دو دست می‌گیرم. داد می‌زنم: تو رو خدا بذار کمکت کنیم، روه‌م مرده‌ام دست‌هایم را گرفته‌اند می‌گوید: هرروز بهم زنگ می‌زنی که بیخوشم... هرروز همه چیز می‌اندازه کردن من... دست‌هایم را می‌کشم و نعره می‌زنم. می‌گوید: من تعقیبت کرده‌ام... به‌دکتر گفتم شبا چیکار می‌کنی و کجای می‌ری، با یایم می‌گویم به تلویزیون به در دیوار. داد می‌زند: اذیتش نکنین... طاقت ندارم. گل‌دان هاروی زمین می‌افتند و ازهم می‌پاشند. ندا خوب می‌کند. می‌گوید: تو رو خدا بذار کمکت کنیم... روه می‌شی، گلویم آبشاری از فریاد را می‌ریزد بیرون. یکریز و بدون وقفه چیزی مثل زنبور باویم را نیش می‌زند و وقتی نگاه می‌کنم سرنگ را توی دست‌های مردم می‌بینم. پاهایم روی زمین کشیده می‌شود و اتاق آسانسور حامل را به‌هم می‌زنند. شماره‌ها را تار می‌بینم و بعد توی بزرگ و سفید چشم‌هایم را پر می‌کنم...



برای شنیدن
داستان کد را
اسکن کنید

مرگ در عمق چاه، گرفتار در نوار نقاله

حوادث آخر هفته‌ای که گذشت به خسارت مالی فراوان و فوت یکی از شهروندان مشهدی منجر شد



فروhardی ادامه داد: کارگر حادثه‌دیده در حدود ۵۸ ساله بوده که از ناحیه دست و مری داخل نوار گرفتار و دست او از ناحیه تنگ درچار آسیب شدید و مقلی شده بود. با حضور به‌موقع نیروهای امداد و نجات ایستگاه‌های ۴۲ و آتش‌نشانی در محل دست در مضموم که خون زیادی از او رفته بود از داخل نوار نقاله‌ها رهازی شد. بدن نیم‌جان این مرد میان سال تحویل تکنیسین‌های اورژانس شد و بدین فوت وقت به بیمارستان شهید هاشمی نژاد منتقل یافت. علت این حادثه هنوز مشخص نیست و تحقیقات عوامل انتظامی در این باره ادامه دارد.

سوسومین حادثه ام در جاده ابلق باز هم در اطراف مشهد رقم خورد. من بر اعلام ایگنی مشهد این حادثه در داخل یک کارخانه تولید بتن اتفاق افتاده که یکی از کارگران این مجموعه صنعتی هنگام کار با نور تافله دچار اتفاقی دلخراش شد.

۱۲۵ بلافاصله تیم‌های امداد و نجات از ایستگاه‌های ۴۵ و ۸ خود را به محل رساندند.

مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی مشهد بیان کرد: با حضور مأموران در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد که فرد حادثه دیده مردی ۴۱ ساله است که در عمق ۲۰ متری چاه در حال خنثاری گرفتار شده است. این حادثه به دلیل نشست چاه جانی که مملو از آب بوده و به عنوان چاه آشپزخانه مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اتفاق افتاده فرد مچنی را گرفتار و موجب فوت او در عمق چاه شد.

گاز مانع از اوج گیری آتش و بروز حوادث احتمالی دیگر شدند. در ادامه مأموران به نبرد با آتش پرداختند و پس از یک عملیات چندساعته با مهار کامل حریق به کار خود پایان دادند.

نیروهای پشتیبان و پیشگیری از حریق، نیز در پایان با تخلیه دود و لکه گیری آتش، عمل را به طور کامل انجام کردند و اختیارات کارشناسان آتش نشانی را در دادند. به گفته مدیر عامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی مشهد این حادثه مهیب که خوشبختانه خسارت جانی در پی نداشت، در قسمت ایروستی بزرگان اتفاق افتاد که حواست تولید مواد اولیه نتوان در این کارخانه حریق شد.

مجید فرهادی بیان کرد: بخش‌های مختلف این واحد تولیدی دچار خسارت مالی شده و علت دقیق آتش‌سوزی نیز از سوی کارشناسان این سازمان در حال بررسی است.

● خفگی در فاضلاب
به گفته این مسئول ارشد سازمان آتش نشانی مشهد، دومین حادثه دلخراش آخر هفته گذشته در یک باغ تالار رقم خورد.

فرهادی در تشریح جزئیات این حادثه مرگ‌بار نیز افزود: یک مقنی زمانی که مشغول کار و حفر چاه داخل یک باغ‌تالار واقع در روستای فرخ‌د بود دچار حادثه شد. با اعلام این خبر به سامانه فوریت‌های

آخر هفته‌ای که گذشت
با سه حادثه خونین و
مرگ بار توأم بود که در

پی این حوادث دوتن
از شهروندان مشهدی کشته و مصدوم و
یک کارخانه تولیدی طعمه حریق
مهیّب شد و در آتش سوخت.

● عملیات بیست‌تایی
اولین حادثه در حوالی شهر مشهد اتفاق افتاد. حادثه‌ای که خبرش خیلی زود در بی‌سیم‌های چهار ایستگاه آتش‌نشانی پیچید و ۲۰ نیروی آتش‌نشان را به جاده مشهد- چناران کشاند.

در این حادثه یک کارخانه تولید نئوپان و به علتی نامعلوم طعمه حریق مهیب و گسترده شده بود که دود ناشی از این آتش سوزی تا کیلومترها از طرف شرق مشاهده می شد. سرعت اوج گیری آتش به دلیل اشتعال از بودن مواد موجود در کارخانه در کمترین زمان ممکن اتفاق افتاده بود و زمانی که نیروهای آتش نشانی به محل مراجعه کردند با سانی برابر با ۵۰۰ مترمکعب آتش روبه رو شدند.

زبانه‌های سرکش آتش در حال سرایت به دیگر بخش‌های این کارخانه بود که مأموران اطفای حریق ایستگاه‌های ۵۳، ۳۶، ۳۵ و ۵۰ آتش‌نشانی به دل حادثه زدند. مأموران ابتدا با قطع جریان برق و

جزئیاتی از حمله تروریستی در زاهدان

دیروز یک حمله تروریستی در زاهدان رخ داد که براساس آن تعدادی افراد ناشناس به سمت کلاترانی ۱۶ این شهرستان در خیابان رازی آتش گشودند. شورای تأمین استان سیستان و بلوچستان باافاصله در بیانیه‌ای از مردم خواست تا به محل‌های تجمع نزدیک نشوند و به شایعات شبکه‌های ضدانقلاب بی‌توجه باشند.

خبرگزاری فارس اعلام کرده است، گزارش‌های اولیه از کشته شدن

مادری که با مرگش دست ۴ بیمار را گرفت

بیمار نیازمند به عضو که روزانه بین هفت تا ۱۰ نفرشان تسلیم مرگ می شوند را به اعضای خانواده نشان دادند. اطرافیان بیمار می انتظار فریب الوقوع مادر یا خوشحیدن اعضای پیوندی او به بیماران نیازمند، مردد بودند و در نهایت با پیوند عضو موافقت کردند. با انجام هزار و دویست و سی و هشتمین عمل اهدای عضو از اهداکننده مرگ مغزی کبری ر. روشنی، ۶۸ ساله، در مرکز زنده یاب به مرید دانشگاه مشهد، کبد این زنده یاب به مرید ۲۳ ساله ساکن مشهد رایگان اهدا و پیوند شد. تقریباً هفت هزار برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال و در ادامه قسمتی از پوست هم برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا^(۵) مشهد ارسال شد.

ابوعطا: مادر که از پا بیفتد یک خانواده از پا می افتد. مادران مرکز ثقل هر خانواده اند و جای شان را هیچ چیزی پر نمی کند. اما بی مادران با رفتنشان درس های زیادی اطرافیان به جا می گذارند همچون موم کبری درویشی، که خودش جان باخت ندگی را به جان چهار بیمار نیازمند به بازگرداند.

سلام مرگ مغزی یک بیمار در بیمارستان مشهد، اقدامات ویژه‌ای به منظور مشاوره ن افتاد. پزشکان به اطرافیان این بیمار ننان دادند که هیچ بیمار مرگ مغزی به بازنگشته است. آن‌ها فهرستی از هزاران

خبر

گروه حوادث اگرچه پیشگیری از حوادث را ندانگی مهم است، اما رسیدگی به وضعیت مصدومان پس از تصادف هم اهمیت زیادی دارد و هر لحظه بتر رسیدن می تواند به قیمت جان یک مصدوم تمام شود. گاهی برخی تصادف ها در جاده های ترعی ای دور افتاده رخ می دهد که در صورت به جا بیای مصدومان با آمبولانس ها به توجه به سبب تصادف، احتمال جانی بسیار ناچیز وجود دارد. در این شرایط یگانه راه نجات بیماران بد حال، مداخلات فوری است، موضوعی که در پروژ موجب نجات جان دو بیمار شد.

پروژه سانحه ای دل خراش در محور مشهد به تربت حیدر صورت داد. در این حادثه، کشته ای سه دستگاه خودرو و یوز پارس، دنا و خاور به دلایلی نامعلوم

با یکدیگر برخورد کردند. تعدادی از سرنشینان درون خودروها گرفتار شدند که امدادگران برای نجات جان این افراد خود را به محل رساندند. همزمان با حضور امدادگران اورژانس پزشکی مشخص شد که تعداد مصدومان ۱۱ نفر است. بلافاصله تعدادی از این افراد برای دریافت خدمات درمانی بیشتر با آمبولانس به بیمارستان‌های مشهد منتقل شدند.

محمد علی‌شاهی، مسئول روابط عمومی اورژانس مشهد درباره دیگر جزئیات این حادثه به ایرنا گفت: این حادثه ساعت ۱۱:۳۲ پیروز در محور تربت حیدریه رخ داد و با توجه به دلخالی دو بیمار، با هماهنگی این صورت گرفته، یک با لگرد امدادی به پرواز درآمد و این مصدومان را به بیمارستان شهید کامیاب مشهد منتقل کرد.

فرزانه عمادی از آنجا که امسال شاهد حضور حداثری دانش آموزان در مدارس خواهیم بود، رعایت کامل شیوه نامه های بهداشتی برای سلامت دانش آموزان از نکات حائز اهمیت در بازگشتی مدارس است. در این میان قانون گذار هرگونه اهمال یا تقلب در توزیع مواد غذایی ناسالم که سلامت دانش آموزان را به خطر بیندازد جرم انگاری کرده است و به حداکثر مجازات قانونی محکوم می کند. قانون گذار فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که مועد مصرف آن گذشته باشد و یا به کار بردن رنگها

سلامت دانش آموزان را جدی بگیریم

مجازات تولیدکنندگان
مواد غذایی
که سلامت جامعه را
به خطر می اندازند

اسانس‌ها و سایر مواد اضافی غیر مجاز
ر مواد خورده‌نی یا آشامیدنی یا آرایشی یا
هداشتی و لوازم بازی کودکان و همچنین
اختن مواد قلبی خورده‌نی و آشامیدنی
جرم دانسته است. در صورتی که مصرف
مواد غذایی و آشامیدنی و بهداشتی موجب
بیماری مصرف کننده یا آسیبی شود که معالجه
ن کمتر از یک ماه باشد، مجازات مرتکب
شش ماه تا دو سال حبس خواهد بود و هرگاه
تد معالجه بیشتر از یک ماه باشد مجازات
مرتکب یک سال تا سه سال حبس در نظر
رفته می شود و در هر دو مورد سازنده یا

تهیه کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس از سه سال تا ۱۰ سال محکوم خواهند شد. در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه معلوم شود که مواد تقلبی با علم و اطلاع مدعی با صاحب مؤسسه یا کارگاه ساخت یا تهیه یا مواد خارجی مخلوط شده است اشخاص دست اندرکار به همان مجازاتی که برای مباشر عمل مقرر است محکوم خواهند شد. در نظر داشته باشید که همه جرائم مندرج در قانون بابت مواد غذایی و آشامیدنی و بهداشتی از جرائم عمومی محسوب می‌شود و دولت مأمور اجرای این قانون است.

[illegible]